

کوروش کبیر

www.ketab.ir

تألیف: هارولد آلبرت لمب
ترجمه: دکتر صادق رضا زاده شفق

سرشناسه	: لمب، هرولد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	: Lamb, Harold
مشخصات نشر	: کوروش کبیر / تألیف هارولد آلبرت لمب؛ ترجمه صادق رضازاده شفق.
مشخصات ظاهری	: زنجان: هلال نقره ای، ۱۳۹۷.
شابک	: ۳۰۴ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-622-6047-17-3
یادداشت	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Cyrus the Great, 1960.
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: کتابنامه: ص. [۳۰۳]-۳۰۴.
موضوع	: کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. -- سرگذشتنامه
موضوع	: Biography -- King of Persia, The Great, Cyrus
موضوع	: کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. -- داستان
موضوع	: Cyrus, The Great, King of Persia -- Fiction
موضوع	: کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. -- جنگ‌ها
موضوع	: Cyrus, The Great, King of Persia -- Wars
موضوع	: ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق.م.
شناسه افزوده	: Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B. C
شناسه افزوده	: رضازاده شفق، صادق، ۱۲۷۲ - ۱۳۵۰، مترجم
رده بندی کنگره	: Rezazadeh Shafagh, Sadegh
رده بندی دیویی	: DSR۲۳۶/۸۵۹۱۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۵/۰۱۵۰۱۲
	: ۵۳۱۶۲۶۱

انتشارات هلال نقره‌ای

کوروش کبیر

نویسنده: هارولد آلبرت لمب

مترجم: صادق رضازاده شفق

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

چاپ: باران

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۷-۱۷-۳

مراکز پخش:

زنجان، کوی شهریار، سهند غربی، ۱۶۶۱

قم، میدان ولیعصر (عج)، بلوار خلیج فارس به سمت جمکران، کوچه ۲۱ (استخر دریا)، پلاک ۱۷

۰۹۱۹۵۸۷۳۴۷۶ - ۰۹۱۹۸۵۳۷۶۸۷

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۵	 دیباچه مترجم
۹	 دیباچه
۱۳	 یادداشت مؤلف
۱۷	 یادداشت مترجم
۱۹	 بخش اول: نشیمن در کوهستان
۲۱	 بچه‌های دروازه
۲۸	 پرتاب یک تیر
۳۹	 پیشگویی مغان
۴۲	 شهر مرگ
۵۰	 سرود غارت نینوا
۵۶	 رحم الهه بزرگ
۶۲	 کوروش از برج عبور می‌کند
۶۹	 بخش دوم: سوگند کوروش
۷۱	 مسیر آریایی‌ها
۷۵	 سرزمین گود
۷۹	 پشم زرین وارتان
۸۲	 قبر سکایی
۹۰	 کوروش به پاسارگاد عزیمت می‌کند
۹۲	 فرمانی از طرف ازدهاک
۹۷	 انتقام هارپیک فرمانده سپاه
۱۰۵	 سوگند در تالار مادها
۱۱۳	 بخش سوم: گنج کرزوس
۱۱۵	 پیشگویی کاهن دلفی
۱۱۸	 الهام گوبارو
۱۲۵	 کلاه‌خودی که در ساردیس فرو افتاد
۱۳۴	 کوروش با اسپارتی‌ها روبه‌رو می‌شود
۱۳۹	 حکمای ملطیه
۱۴۳	 هارپیک شهربان یونیا
۱۴۸	 ظهور تحولات بزرگ
۱۵۲	 آشفته‌گی کوروش

۱۶۱	بخش چهارم: در آتش باختری
۱۶۳	کاوی و یشناسیه
۱۶۹	کوروش راه زرتشت را پیش می گیرد
۱۷۱	بلایی که در مهمانی رو آورد
۱۷۶	هیبت ریگزار سرخ
۱۸۲	توسعه خط‌های مرزی
۱۸۵	خطر قله‌ها
۱۸۸	جایی که زرتشت حکومت می کرد
۱۹۴	قضاوت کوروش درباره باختریان
۲۰۳	بخش پنجم: بابل سقوط می کند
۲۰۵	منظره شهر
۲۱۱	برای یعقوب اقبی چه پیش آمد کرد
۲۱۹	آنچه نبینید پنهان می داشت!
۲۲۳	زندان خدایان
۲۲۹	نظر کرده مردوک
۲۳۴	دروازه نامرئی
۲۳۹	قضاوت کوروش
۲۴۴	«من مردم را گرد هم آوردم»
۲۴۸	مراجعت مردان سرودخوان
۲۵۱	بخش ششم: دعوت مغ
۲۵۳	جاده‌ها به سوی دریا می رود
۲۶۳	تاریخ خاموش است
۲۶۹	«هر نوع خدایان دیگر که باشند»
۲۷۲	جنگ در جلگه‌ها
۲۷۹	بخش هفتم: پایان کار
۲۸۱	دولت جهانی
۲۸۵	کوروش و داریوش
۲۸۷	دین هخامنشیان
۲۸۷	راز کشورگشایی ایران
۲۸۹	روبه‌رو شدن ایرانی با یونانی
۲۹۱	نیاکان ما و خاور و باختر
۲۹۳	راز پاسارگاد
۲۹۶	راز ابتکار
۲۹۸	کوروش و اسکندر
۳۰۰	گواهی گزنفن
۳۰۳	منابع

دیباچه مترجم

آقای هارولد لمب^۱ مؤلف کتاب حاضر یعنی «کوروش کبیر» که متن انگلیسی آن حدود یک سال پیش (۱۹۶۰ میلادی) در نیویورک انتشار یافت، در میان ایرانیان ناشناس نیست. چندین بار به کشور ما مسافرت کرده و مطالعاتی به جا آورده و در تاریخ و ادب و داستان‌های ایران و بعضی ملل مجاور غور نموده و انتشاراتی سودمند به شکل مقالات و کتب در این زمینه‌ها به وجود آورده است که اکثر آن‌ها از انگلیسی به زبان‌های دیگر از آن جمله به فارسی ترجمه و طبع گردیده است. تألیفات معروف او نظیر: عروس ایران، عمر خیام، چنگیز خان، تیمورلنگ، جنگ‌های صلیبی، سلیمان فاتح، اسکندر مقدونی (که این کتاب اخیر را اینجانب ترجمه کردم و در بهمن ماه ۱۳۳۵ طبع و نشر شد)، معروف و مشهور است. سبک مؤلف محترم در تمام این تألیفات شرح مطالب تاریخ به شکل وصف و داستان است که خواندن آن را خوش آیند و شیرین می‌کند. مسافرت‌های مؤلف در کشورهای مربوط به داستان‌ها و معاشرت او با مردم و مطالعات او در باب گذشته و حال آن‌ها، تألیفات او را از لحاظ حقایق تاریخی و خواص روحی و اوضاع ملل و اقوام خاورمیانه بس سودمند قرار می‌دهد.

کتاب کوروش کبیر که اینک ترجمه آن تقدیم هم‌میهنان ارجمند می‌شود، تاریخی است رمان مانند یا رمانی است تاریخی؛ گرچه مؤلف محترم در هیچ‌یک از این دو نوع ادعایی ندارد. متن انگلیسی کتاب چنان که اشاره شد، به سال ۱۹۶۰ میلادی یعنی قریب ۴۲ سال پیش در آمریکا منتشر شد و این انتشار مصادف بود با جشن‌های دو هزار و پانصد ساله ایران، به همین مناسبت برخی از مورخان آن دوره کتابی را که در مورد کوروش کبیر نشر

داده شده بود را به فارسی ترجمه کردند.

خالی از فایده نمی دانم ملاحظات در باب سبک و مطالب متن به نظر قارئین کرام برسانم. اولاً هر کس کتاب را به دقت بخواند از تبحر مؤلف در زبان، مخصوصاً تسلط حیرت آور او در لغات و مترادفات انگلیسی واقعاً تعجب می کند و به وسعت لغت شناسی او آفرین می گوید و او را یک قاموس ناطق می پندارد. در عین حال با وجود این لغت شناسی شگفت آور، جمله بندی و عبارات کتاب بسا مبهم و نیمه تمام و در مواردی معروض تعقید و حتی مطالب آن هم گاهی متناقض به نظر آمد و این سبک به قضاوت اینجانب در کتاب «کوروش کبیر» به نسبت بیشتر از سایر تألیفات آقای لمب به کار رفته که شاید تغییر احوال و مرور سن و سال در آن تأثیر داشته است. دوم آن که با این که این کتاب نیز مانند سایر کتاب های مؤلف دانشمند بر مطالعات و تبعات و تجربیات او استناد دارد و بنابراین زمینه روشن و پهنایی از تاریخ گذشته ما را در مدنظر خواننده می دارد، باز در مواردی خیال به حقیقت و داستان به تاریخ چیره شده حتی مختصر اشتباهاتی هم روی داده است که از آن ها حتی به حساب داستان هم نمی توان اعماض کرد زیرا با این که داستان می تواند نیروی تخیل را در بسط و تفضیل و تزین وقایع تاریخی به کار برد از طرف دیگر نمی تواند وقایع یا اشخاص واقعی را تغییر دهد و موجبات سوء تفاهم فراهم آورد. مثلاً ماندانا (مندانه) لا اقل به قول یکی دو منبع یونانی، مانند گرنفن در کتاب «پرورش کوروش» دختر ازدهاک و دختر بخت النصر! و اگر در صحت تمام این خبر تردیدی هم باشد مسلماً وی دختر بخت النصر نبوده. همچنین آقای مؤلف (گوبارو) را که به ضبط یونانی (گبر یاس) و به ضبط بابلی (اوبارو) باشد، حکم دار شوشان می داند در صورتی که تواریخ قدیم، او را حکم دار ناحیه (کوتیوم) می خوانند که ناحیه ای بوده میان رود دیاله و زاب سفلی و دجله. ایضاً (آمیتیش) به موجب روایات یونانی، دختر ازدهاک بوده نه گوبارو.^۱ البته امثله دیگر از این قبیل توان پیدا کرد. در معنی نام ها هم ایشان به حکم این که نظرشان بیشتر به داستان است زیاد مقید نبوده اند. مثلاً کوروش را به موجب فرض اصل و ریشه بابلی به معنی «چوپان» گرفته در صورتی که مستشرقین مانند (پوستی) آن را از کلمه (کورو) خور (خورشید) دانسته اند. نیز نام آستیاگ (آستیاز) را با تبعیت از (المستد) به معنی زوبین انداز (آرش تیوبگ) گرفته، در صورتی که پوستی، آن را عین کلمه (ازدهاک) می داند.